



مقایسه طرحواره‌های ناسازگار اولیه و سبک فرزندپروری در زنان خیانت‌کرده و خیانت‌دیده Comparison of Early Maladaptive Schemas and Parenting Styles among Woman Who Committed Infidelity and Women Who Have Been Victims of Infidelity

Nahid Sadat Sharifi

Somayeh Robat Mili

Shariar Shahidi

Reza Ghorban Jahromi

ناهید سادات شریفی *

سمیه رباط میلی **

شهریار شهیدی ***

رضا قربان جهرمی ***

Abstract

The purpose of this study is to compare early maladaptive schemas and parenting styles in women who have committed infidelity and those who have been victims of infidelity. This study is both descriptive and random-comparative in nature. The participants consists of women who live in twenty-two areas of Tehran and have committed infidelity or have been victims of infidelity during the period during 2019-2020. An available sample was used including 61 participating women and 57 victimized women. Data were collected using the Young Schema Questionnaire Short Form (YSQ-SF3) and Young Parenting Inventory (YPI) and analyzed using an independent t-test and SPSS 23 software. The results showed that there was a significant difference between the early maladaptive schemas in two groups ($d=0/66$). Perpetrators of infidelity had significantly higher levels of emotional deprivation, abandonment/ instability, distrust/ abuse, entitlement/ grandiosity, inadequate self-control/ self-discipline, and approval/ recognition-seeking, while the violated women had higher scores in the defectiveness/ shame schema. In addition, there was a significant difference in parenting style scores between the two groups ($d= 2/07$) and women who had committed infidelity reported higher scores in the schemas of emotional deprivation, abandonment/ instability, distrust/ abuse, dependency, defectiveness/ shame, relentless standards/ hypercriticism, entitlement/ grandiosity, negativity/ pessimism, emotional inhibition, and approval/ recognition seeking. It can be said that the way parents interact with their children can shape schemas in the child and provide a foundation for their sincere behavior and adherence to principles in adulthood.

Keywords: Infidelity, Early Maladaptive Schema, Parenting Style.

چکیده

هدف این پژوهش، مقایسه نقش طرحواره‌های ناسازگار اولیه و سبک تربیتی والدین در دو گروه زنان خیانت‌کرده و خیانت‌دیده است. پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و توصیفی از نوع علی-مقایسه‌ای است. جامعه آماری مطالعه را زنان متأهلی تشکیل داده‌اند که در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران زندگی می‌کردند و در فاصله زمانی ۱۳۹۹-۱۳۹۸ به همسر خود خیانت کرده یا خیانت دیده بودند. برای انتخاب نمونه از نمونه‌گیری دردسترس استفاده شد. نمونه شامل ۶۱ زن خیانت‌کرده و ۵۷ زن خیانت‌دیده است. داده‌ها به کمک دو پرسشنامه طرحواره‌های یانگ (YSQ-SF3) و سبک فرزندپروری یانگ (YPI) جمع‌آوری به کمک آزمون تی مستقل و نرم‌افزار SPSS تحلیل شد. یافته‌ها نشان می‌دهد بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه در زنان خیانت‌کرده و زنان خیانت‌دیده اختلاف معناداری وجود دارد ($d = 0/66$) و جز طرحواره نقص-شرم که زنان خیانت‌دیده در آن نمره بالاتری کسب کردند، نمره زنان خیانت‌کرده در طرحواره‌های محرومیت هیجانی، طردشدن-بی‌ثباتی، بی‌اعتمادی-آزاردیدن، استحقاق‌داشتن-بزرگ‌منشی، خویش‌داری-خودانضباطی و جلب‌توجه-تأییدجویی به‌طور معناداری بیشتر بود. همچنین میان نمرات سبک‌های فرزندپروری زنان خیانت‌کرده و زنان خیانت‌دیده تفاوت معناداری مشاهده شد ($d = 2/07$) و زنان خیانت‌کرده در حوزه‌های محرومیت هیجانی، طردشدن-بی‌ثباتی، بی‌اعتمادی-آزاردیدن، وابستگی، نقص‌داشتن-شرم، معیارهای سرسختانه-عیب‌جویی افراطی، استحقاق‌داشتن-بزرگ‌منشی، منفی‌گرایی-بدبینی، بازداری هیجانی و جلب‌توجه-تأییدجویی، نمرات بالاتری کسب کردند. می‌توان گفت چگونگی تعامل والدین با فرزندان، طرحواره‌هایی را در آن‌ها شکل داده است و مبنایی برای رفتارهای صمیمانه آنان در بزرگسالی و پابندی به اصل اولیه زندگی زناشویی یعنی تعهد می‌شود.

واژه‌های کلیدی: خیانت، طرحواره‌های ناسازگار اولیه، سبک فرزندپروری.

* دانشجوی دکتری روان‌شناسی عمومی، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
** نویسنده مسئول: استادیار گروه روان‌شناسی بالینی، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
*** استاد گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران
**** استادیار گروه روان‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

Email: somayemili@yahoo.com

Received: 26 Apr 2021

Accepted: 23 Jun 2021

پذیرش: ۰۰/۰۴/۰۲

دریافت: ۰۰/۰۲/۰۶

مقدمه

خیانت^۱ عبور فرد از مرزهای رابطه زناشویی و برقراری صمیمیت فیزیکی و عاطفی^۲ با فردی خارج از رابطه است (اگزون، ۲۰۱۰) که شخص امید دارد به کمک آن بتواند نیازهای روانی یا جنسی‌اش را ارضا کند (آپستولو، ۲۰۱۹). بیشتر زوج‌هایی که با خیانت روبه‌رو می‌شوند، معتقدند که تا به حال هیچ‌گاه چنین هیجان‌انگیز شدیدی را تجربه نکرده‌اند. آن‌ها احساس خشم، افسردگی، ترس، گناه، تنهایی و شرمساری و ترکیب آشفتگی این هیجان‌ها را گزارش می‌کنند. ابعاد و سطح آسیب‌های این رویداد، در حوزه فرد باقی نمی‌ماند و به همه اعضای خانواده، رابطه و زندگی اجتماعی تسری می‌یابد (گوردون، باکوم و اشنایدر، ۲۰۰۸). فهم اینکه همسر یک فرد به او خیانت کرده است، می‌تواند تجربه‌ای عمیقاً دردناک باشد و واکنش‌هایی مانند خشم، استرس شدید، کاهش اعتماد و نبود آن، کاهش اعتماد و صمیمیت جنسی و فردی، آسیب به عزت‌نفس، ترس از رهاشدن و نیاز به ترک همسر را برانگیزد (کیملدورف، ۲۰۰۸). خیانت زناشویی برای فرد خیانتکار نیز پیامدهای عاطفی شدیدی به همراه دارد. همسران خیانتکار با احساساتی مانند شرم، احساس گناه، تردید، عصبانیت و ناامیدی مواجه می‌شوند (سودانی، کریمی، مهرابی‌زاده، هنرمند و نیسی، ۱۳۹۱). یافته‌ها درباره شیوع خیانت، متفاوت است. در میان زوج‌های آمریکایی از ۲۶ تا ۷۰ درصد برای زنان و از ۳۳ تا ۷۵ درصد برای مردان گزارش شده است (ایوز و روبرتسون اسمیت، ۲۰۰۷). همچنین دلیل مراجعه بین ۱۴ تا ۲۷ درصد زوج‌های مراجعه‌کننده به درمان، خیانت است (آتکینر، یی، باکوم و کریستن‌سن، ۲۰۰۵). مسئله خیانت زناشویی در جامعه ایران نیز به‌عنوان یک نگرانی مطرح و با ناپایداری در روابط و نرخ بالای طلاق همراه است (مدرسی، زاهدیان و هاشمی محمدآباد، ۱۳۹۳)؛ البته آمار دقیقی درباره میزان شیوع بی‌وفایی زناشویی در کشور منتشر نشده است، اما بعضی تحقیقات اشاره‌هایی به این موضوع کرده‌اند؛ برای مثال، بیشترین آمار قتل‌های خانوادگی که ۳۰ درصد است، به زنانی مربوط می‌شود که به دلیل رابطه نامشروع و سوءظن، توسط همسران خود به قتل رسیده‌اند. از سوی دیگر، ۲۲ درصد از قتل‌های خانوادگی مربوط به قتل مردان توسط همسرانشان است که در ۴۰ درصد، زنان با همدستی معشوق خود، شوهرانشان را به قتل رسانده‌اند (فتحی، فکرآزاد، غفاری و بوالهروی، ۱۳۹۲)؛ بنابراین به دلیل اهمیت خیانت و آثاری که بر فرد خیانت‌کرده و خیانت‌دیده دارد، مطالعات مختلفی به بررسی دلایل وجود رابطه خارج از ازدواج پرداخته‌اند. این عوامل در نهایت در چهار طبقه اصلی عوامل جمعیت‌شناختی مانند سن، جنس، وضعیت اقتصادی-اجتماعی، عوامل مربوط به فرد از بیل عوامل شخصیتی و نگرش‌ها، عوامل مربوط به رابطه مانند آشفتگی و نداشتن رضایت زناشویی و در نهایت عوامل مربوط به محیط همچون مذهب، اقتضانات شغلی و فرهنگ دسته‌بندی می‌شود (فینچام و می، ۲۰۱۷). مطالعاتی که بر فرد عهدشکن متمرکز بودند، مشخص کردند که عوامل و ویژگی‌های شخصیتی مانند نوروگرایی^۳، اضطراب روانی^۴ بالا، دلبستگی ناایمن^۵ (دی‌وال

-
1. infidelity
 2. physical and mental intimacy
 3. neuroticism
 4. mental anxiety
 5. insecure attachment

و همکاران، ۲۰۱۱)، داشتن روابط متعدد پیش از ازدواج^۱، گشودگی به روابط صمیمی^۲ (هاکاتورن و برنتلی، ۲۰۱۴) و کیفیت نگرش به رابطه خارج از ازدواج^۳ (ویزر، ویگل، لالاز و ایوان، ۲۰۱۷) می‌تواند فرد را در برابر خیانت آسیب‌پذیر کند. با این حال مهم‌ترین بعد مربوط به فرد عهدشکن است؛ زیرا در نهایت او براساس درگیری‌های مختلف ذهنی تصمیم به خیانت گرفته است که این تصمیم براساس فرایندهای عقلانی مانند تمام تصمیم‌های کوچک و بزرگ زندگی فرد باید براساس سودها و زیان‌های کوتاه و بلندمدت و بررسی تمام ابعاد صورت بگیرد، اما همان‌طور که لیهی (۲۰۰۶) اشاره می‌کند، تصمیم‌گیری فرایندی است که کاملاً تحت تأثیر آسیب‌شناسی‌های روان‌شناختی، پیش‌فرض‌ها، سوگیری‌ها و ادراک فرد از موقعیت قرار می‌گیرد. تصمیم به خیانت نیز باید فراتر از تفکر منطقی و بررسی ساده سودها و زیان‌هایش دیده شود؛ چراکه حرمان و رنج نهفته در آن خبر از وجود آسیب‌های عمیق در فرد می‌دهد. به نظر می‌رسد نیازهای روانی ارضاننده، سوگیری در ادراک واقعیت و سبک رفتاری ناسازگار است فرد را به سمت انتخاب خیانت به‌عنوان یک راه‌حل پیش می‌برد و تمام این‌ها در کنار یکدیگر در طرحواره‌های ناسازگار اولیه^۴ دیده می‌شود. این دلیلی است برای اندیشیدن به این موضوع که طرحواره‌های ناسازگار اولیه می‌توانند در تبیین چرایی رابطه فرازناشویی راهگشا باشند. زمانی که نیازهای متعارف و سالم تحولی در دوران کودکی برآورده نشوند، طرحواره‌ها (از این پس در این متن طرحواره ناسازگار اولیه با واژه طرحواره برابر در نظر گرفته می‌شوند) شکل می‌گیرند. طرحواره‌ها سازه‌های روان‌شناختی مشتمل بر باورهای غیرشرطی ناسازگار فرد درباره خود، دنیا و افراد دیگر هستند. طرحواره‌ها اغلب در دوران کودکی نقش و عملکردی سازگاران دارند و در بزرگسالی نادرست، ناکارآمد و محدودکننده هستند؛ با وجود این به‌شدت حفظ می‌شوند و در بیشتر موارد خارج از حیطه هشیاری فرد قرار دارند (یانگ، ۱۹۹۰؛ یانگ، کلاسکو و ویشر، ۲۰۰۳). آسیب طرحواره‌های ناسازگار تنها به یک موقعیت ختم نمی‌شود و ردپای آن در همه تصمیم‌ها و انتخاب‌های مهم زندگی فرد اعم از انتخاب شغل، همسر، شیوه فرزندپروری، شیوه مرزبندی در روابط میان‌فردی و دیگر حوزه‌های مهم زندگی فرد به چشم می‌خورد (ورسویک، برورسن و ندرت، ۲۰۱۵). نقش طرحواره‌ها در آسیب‌شناسی روانی روابط میان‌فردی خود را به صورت سوءبرداشت‌ها، گمانه‌های تحریف‌شده، هدف‌ها و انتظارات نادرست، ادراک و تفاسیر غیرواقع‌بینانه نشان می‌دهد (پاسکال، کرسستین و جین، ۲۰۰۸). همچنین برانگیختن طرحواره‌ها، سبب ایجاد جذابیت جنسی و غیرجنسی در روابط عاشقانه می‌شود. از سوی دیگر مشکلات ارتباطی زوجین بیشتر از آنکه به روابط فعلی آن‌ها با همسرشان مربوط شود، ریشه در طرحواره‌های آنان دارد (یانگ، کلاسکو و ویشر، ۲۰۰۳). نظریه‌پردازان معتقدند طرحواره‌ها از راه‌های متعددی می‌توانند در تصمیم فرد برای خیانت تأثیرگذار باشند. گروهی از طرحواره‌ها متضمن احساس نیاز شدید و عمیق هستند و در شرایطی که رابطه اصلی توان پاسخ‌گویی به نیازهای فرد را نداشته باشد، آن را در جای دیگری

-
1. greater number of relations before marriage
 2. openness to intimate relationship
 3. attitude toward infidelity
 4. early maladaptive schema

جست‌وجو می‌کنند. رهاشدگی-بی‌ثباتی^۱، محرومیت هیجانی^۲ و پذیرش‌جویی^۳ نشان‌دهنده وجود نیازهای شدید ارضاننده در فرد هستند و راه را برای رابطه موازی هموار می‌کنند. خیانت‌های متأثر از طرحواره‌های استحقاق-بزرگ‌منشی^۴ و خویشتن‌داری-خودانضباطی ناکافی^۵ ماهیت بسیار متفاوتی دارند. این طرحواره‌ها با ناتوانی فرد در پیگیری قوانین و محدودیت‌ها و ایجاد احساس محق‌بودن، وی را به سمت خیانت سوق می‌دهند. گروهی دیگر از طرحواره‌ها با احساس ناقصی از خود همراه هستند؛ طرحواره‌های نقص-شرم^۶، انزوای اجتماعی^۷، وابستگی و بی‌کفایتی^۸، آسیب‌پذیری در برابر ضرر یا بیماری^۹، خود تحول‌نیافته^{۱۰}، شکست^{۱۱} و بازداری هیجانی^{۱۲} در این گروه قرار می‌گیرند. این طرحواره‌ها سبب می‌شود فرد برای رفع این نقص روانی خود بارها منابع بیرونی را جست‌وجو کند تا به کمک آن‌ها احساس بهتری به خود داشته باشد. در این فضای طرحواره‌ای، گاه ممکن است خیانت راهی برای رفع احساس منفی فرد به خود باشد. گاه تمایل به خیانت از نگرش‌های معیوب افراد ناشی می‌شود، طرحواره‌های بی‌اعتمادی-بدرفتاری^{۱۳} و منفی‌گرایی-بدبینی^{۱۴} سبب نگرش منفی فرد به رابطه اصلی می‌شوند و خطر رابطه موازی را افزایش می‌دهند (سینوئه دی‌فرانسیسکو، رودریگر، برنس، ۲۰۱۵).

خیانت زناشویی رفتاری ناسازگارانه و خودآسیب‌رسان است؛ رفتاری برای ارضای یک نیاز روانی که ممکن است با ایجاد طرحواره‌های ناسازگار اولیه از طریق سبک فرزندپروری والدین ناشی شود. برای اندیشیدن به تأثیر طرحواره بر رابطه فرازناشویی لازم است ترکیب طرحواره‌ها سبک‌های فرزندپروری والدین توأمان در نظر گرفته شوند؛ زیرا در دیدگاه طرحواره‌ درمانی بیشتر طرحواره‌های ناسازگار در دوران کودکی و از طریق نوع و سبک فرزندپروری والدین به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین عوامل تشکیل‌دهنده آن‌ها، ایجاد می‌شوند (یانگ، کلاسکو و ویشر، ۲۰۰۳). در مجموع می‌توان چنین جمع‌بندی کرد که طرحواره‌های ناسازگار که در پی تجربه‌های زهرآلود کودکی شکل می‌گیرند، مانند لنزی بر ادراک و تعبیر فرد از آنچه پیرامون او رخ می‌دهد، تأثیر می‌گذارند و در موقعیت‌هایی با موضع دل‌بستگی، احساسات، افکار، خاطرات و حالات بدنی را در ذهن فرد ایجاد می‌کنند که به رفتار و درواقع تمام زندگی او شکل می‌دهند. طرحواره‌ها تجربه عشق را شکل می‌دهند،

-
1. abandonment-instability
 2. emotional deprivation
 3. approval Seeking
 4. entitlement-grandiosity
 5. insufficient self-control/self-discipline
 6. defectiveness/shame
 7. social Isolation
 8. dependence /incompetence
 9. vulnerability to Harm or Illnes
 10. inmeshment/Undeveloped Self
 11. failure
 12. emotional inhibition
 13. mistrust- abuse
 14. negativity-pessimism

معشوق را انتخاب می‌کند، شکل رابطه با او را شکل می‌دهند و گاه به او خیانت می‌کنند. براین اساس بررسی طرحواره‌های ناسازگار اولیه و سبک فرزندپروری والدین در افراد متأهل می‌تواند دیدگاه جدیدی به این پدیده بیافزیند. این مفهوم‌سازی می‌تواند به افراد درگیر در این روابط کمک کند تا به بینشی وسیع‌تر درباره خود دست پیدا کنند و بدانند که این معشوق نیست که خواستنی است، بلکه طرحواره‌های ناسازگار شکل گرفته در دورانی خاص آنان را وارد و وابسته رابطه جدید کرده است. با یافتن این بینش رنج فرد تحمل‌پذیرتر می‌شود و از تکرار این الگوی مخرب در روابط بعدی جلوگیری خواهد شد. این دیدگاه می‌تواند در التیام درد همسرانی که خیانت دیده‌اند نیز راهگشا باشد و از احساس بد آنان به خود و همسر عهدشکن بکاهد و راه را برای داشتن نگاهی همراه با شفقت بگشاید.

با توجه به آمار و تأثیر خیانت بر سلامت روان خیانت‌دیده^۱ و خیانت‌کرده^۲، پژوهش‌های بسیاری در این حوزه انجام شده است؛ برای مثال بختیاری، حسینی، عارفی و افشاری‌نیا (۱۳۹۸) در پژوهش خود نشان دادند، طرحواره‌های محرومیت هیجانی، آسیب‌پذیری، ایثارگری و سبک‌های عشق‌ورزی اروس، استورگ و آگاپه بر صمیمیت زناشویی اثر مستقیم معناداری دارند. همچنین تأثیر مستقیم دلبستگی اضطرابی، سبک عشق‌ورزی استورگ، طرحواره‌های گرفتار، آسیب‌پذیری، ایثارگری و صمیمیت بر خیانت زناشویی معنادار هستند. همچنین در پژوهش دست‌افشان، حیدریه، دهقان و فرهادی شوربلاغی (۱۳۹۸) مشخص شد که تمایل به خیانت به کمک متغیرهای باورهای دینی، صمیمیت و محرومیت هیجانی، اطاعت، آسیب‌پذیری در برابر ضرر و بیماری، بی‌اعتمادی و خویش‌داری (زیرمقیاس‌های طرحواره‌های ناسازگار اولیه) پیش‌بینی می‌شود. همچنین براساس پژوهش فردوسی (۱۳۹۷) بین رفتار دلبستگی در روابط زناشویی، کیفیت روابط زناشویی و سبک‌های دلبستگی با نگرش به خیانت زناشویی در زنان متأهل رابطه معناداری وجود دارد. تحلیل رگرسیون هم‌زمان نیز نشان داد که دلبستگی ایمن، دلبستگی نایمن دوسوگرایی اضطرابی و دلبستگی نایمن اجتنابی می‌توانند نگرش به خیانت زناشویی در زنان متأهل را پیش‌بینی کنند.

پژوهش‌های فوق و مطالعات مشابه آن، به بررسی رابطه سازه‌های گوناگون ذهنی با میل به خیانت، احتمال به خیانت یا نگرش به خیانت در افراد متأهل یا یکی از دو گروه خیانت‌کرده و خیانت‌دیده پرداخته‌اند. از آنجا که خیانت مسئله‌ای تک‌بعدی نیست و شخص قربانی و خیانت‌کننده، هر دو درگیر پیمان‌شکنی هستند، این پژوهش به مطالعه این دو مفهوم در دو گروه خیانت‌کرده و خیانت‌دیده پرداخته و به کمک آن از شرایط و علل فعلی که فرد را درگیر پیمان‌شکنی کرده است، فراتر رفته و ریشه‌های این پدیده را بررسی کرده است تا با فهم لایه‌های عمیق و زیرین خیانت، قدمی هرچند کوچک برای کنترل و جلوگیری از پیش‌روی آن برداشته شود. براساس مطالب بیان‌شده، این پژوهش درصدد پاسخگویی به این سؤال بوده است که آیا طرحواره‌های ناسازگار اولیه و سبک فرزندپروری در افراد خیانت‌کرده و خیانت‌دیده متفاوت است.

-
1. victim of infidelity
 2. committed infidelity

روش، جامعه نمونه و روش نمونه‌گیری

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و توصیفی از نوع علی-مقایسه‌ای^۱ است. جامعه آماری پژوهش زنان متأهلی بودند که در مدت زندگی مشترک خود با خیانت عاطفی، جنسی یا هر دو مواجه شده‌اند؛ یعنی زنانی که در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران در سال ۱۳۹۹-۱۳۹۸ به همسر خود خیانت کرده یا خیانت دیده بودند. معیار ورود شرکت‌کنندگان در این پژوهش زنان ساکن شهر تهران بودند که در زندگی زناشویی خود مرتکب خیانت شدند و خود به آن اذعان داشتند و زنانی که همسرانشان دارای روابط فرازناشویی بوده و بنا به اظهاراتشان خیانت دیده بودند. شرکت‌کنندگان ۲۰ تا ۶۰ ساله بودند و ملاک تأهل از زمان عقد رسمی بوده است. درباره معیار خروج نیز افرادی که بنا به هر دلیل اعم از شخصی، عرفی، اجتماعی یا قانونی روابط فرازناشویی خود را به‌عنوان ارتکاب به خیانت نپذیرفتند، افراد استفاده‌کننده از داروهای روان‌پزشکی، داروهای خاص و مواد مخدر و همچنین اشخاصی که پرسشنامه‌های خود را ناقص پر کردند، از گروه نمونه حذف شدند. برای انتخاب نمونه مورد مطالعه از روش نمونه‌گیری در دسترس استفاده شد که از جمله روش‌های نمونه‌گیری غیراحتمالی است؛ به این صورت که از میان زنان متأهل خیانت‌دیده و خیانت‌کرده که واجد شرایط لازم برای ورود به مطالعه بودند، افرادی به‌عنوان نمونه انتخاب شدند که به لحاظ سن و تحصیلات در دو گروه هم‌تا و مطالعه شدند. حجم نمونه نیز با توجه به حجم نمونه مورد نیاز در جدول کرچسی و مورگان (۱۹۸۵) و بعد از جمع‌آوری و افزودن همه داده‌های کتبی و الکترونیکی و حذف موارد ناقص، ۱۱۸ نفر، شامل ۶۱ زن خیانت‌کرده و ۵۷ زن خیانت‌دیده بود.

روش اجرای پژوهش

در این پژوهش، ابتدا نمونه‌های مورد نظر و راه‌های دستیابی به آنان تعیین شد. در شروع کار مکان‌هایی مانند مراکز مشاوره، خانه‌های سلامت، دادگاه‌های خانواده و حتی مشاغل خاصی مانند آرایشگاه‌ها و ارتباط مردمی از طریق صدا و سیما مدنظر قرار گرفتند. بعد از آن با توجه به محدودیت دسترسی به تعداد مورد نظر، دسترسی به شیوه‌های دیگر بررسی و انجام شد. در هر روش، ارتباطات و تماس‌های مورد نیاز برقرار شد. به این ترتیب که پرسشنامه‌ها در گام اول، به مراجعان محقق که با موضوع خیانت یکی از زوجها یا هر دو به مرکز مشاوره -کلینیک خانواده و کودک دانشگاه شهید بهشتی- مراجعه کرده بودند، ارائه شد. در گام بعدی، به کلینیک‌ها، مراکز مشاوره، دفاتر و کلا، دادگاه خانواده و مراکز غربال‌گری بهزیستی مراجعه و از افراد واجد شرایط تحقیق و دعوت به همکاری شد. گام بعدی تهیه پرسشنامه به‌صورت کامپیوتری و آنلاین بود. به این ترتیب بعد از آماده‌کردن، پرسشنامه در پیچ اینستاگرام برنامه هزار راه نرفته با بیش از ۱۱ هزار دنبال‌کننده قرار داده شد و تبلیغات صورت گرفت. به همین ترتیب لینک آن در اختیار تعدادی از همکاران زوج‌درمانگر و پیج‌های مرتبط قرار داده شد. در گام بعد، با دعوت برای شرکت در برنامه هزار راه نرفته، به افرادی که واجد شرایط شرکت در

1. casual-comparative research

پژوهش بودند، پرسشنامه ارائه شد. در ادامه نمونه‌گیری در این پژوهش از روش گلوله‌برفی نیز استفاده شد. به این صورت که از شرکت‌کنندگان حضوری درخواست می‌شد افراد دیگری را که می‌شناسند، معرفی کنند. مواردی هم از طریق دوستان معرفی شدند که بعد از تماس تلفنی و به‌دست آوردن موافقت آنان، لینک پرسشنامه ارسال شد. در هر مرحله، به‌صورت کتبی و در صورت امکان شفاهی به افراد اطمینان کامل مبنی بر محرمانه بودن اطلاعات داده شد.

ابزارهای پژوهش

پرسشنامه طرحواره یانگ^۱ (YSQ-SF3): این پرسشنامه را یانگ (۱۹۹۸) ساخته است که از ۹۰ گویه و ۱۸ خرده‌مقیاس تشکیل شده است. یانگ ۱۸ طرحواره ناسازگار اولیه را در قالب پنج حیطه دسته‌بندی کرده است: ۱. حیطه جدایی و طرد^۲، ۲. حیطه خودگردانی و عملکرد مختل^۳، ۳. حیطه مرزهای مختل^۴، ۴. حیطه هدایت‌شدن از سوی دیگران^۵، ۵. حیطه هوشیاری افراطی و بازداری^۶.

نمره‌گذاری پرسشنامه به‌صورت طیف لیکرت شش نقطه‌ای بود و حداقل امتیاز ممکن ۹۰ و حداکثر ۵۴۰ خواهد بود. در صورتی که نمرات پرسشنامه بین ۹۰ تا ۱۸۰ باشد، میزان نمره طرحواره در این جامعه ضعیف است. در صورتی که نمرات پرسشنامه بین ۱۸۰-۳۶۰ باشد، میزان نمره طرحواره در سطح متوسطی است. اگر نمرات بالای ۳۶۰ باشد، میزان نمره طرحواره بسیار خوب است. پایایی این پرسشنامه با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۴ گزارش شده است (غیائی، مولوی، نشاط‌دوست و صلواتی، ۱۳۹۰). همچنین یوسفی، اعتمادی، بهرامی، احمدی و فاتحی‌زاده (۱۳۸۷) روایی و اعتبار پرسشنامه طرحواره‌های ناسازگار اولیه را روی یک نمونه ۵۷۹ نفری در دو مرحله (مرحله اول ۳۹۴ و مرحله دوم ۱۸۵) بررسی کردند. در این بررسی، اعتبار پرسشنامه طرحواره‌های ناسازگار اولیه با استفاده از دو روش آلفای کرونباخ و دونیمه‌کردن در کل نمونه به ترتیب ۰/۹۱ و ۰/۸۶، در دختران ۰/۸۷ و ۰/۸۴ و در پسران ۰/۸۴، ۰/۸۱ بود. در پژوهش غیائی و همکاران (۱۳۹۰)، برای تعیین میزان روایی هم‌زمان عامل‌های پرسشنامه از مقیاس نگرش‌های ناکارآمد استفاده شد و روش آماری ضریب هم‌بستگی پیرسون به کار رفت. نتایج نشان می‌دهد، ضریب هم‌بستگی در تمامی عامل‌ها معنادار است و تنها در طرحواره استحقاق مقدار کمی است. ضرایب آلفای کرونباخ در بیشتر عامل‌ها، مناسب بود و تنها در عامل استحقاق، کاهش نشان داد. حساسیت، ویژگی و نقاط برش عامل‌های استخراج‌شده نیز با استفاده از تحلیل مسیر در دو گروه افراد بهنجار و دارای اختلال روانی به‌دست آمد. مطابق نتایج به‌دست‌آمده، حساسیت و ویژگی به ترتیب بین ۵۱/۲۰-۶۴/۶۰ و ۵۷-۷۳ است؛ به این معنا که عامل‌های استخراج‌شده، حداقل ۵۱/۲۰

1. Young Schema Questionnaire Short Form (YSQ-SF3)
2. disconnection and rejection
3. impaired autonomy and performance domain
4. impaired limits
5. other-directedness
6. overvigilance and inhibition

درصد و حداکثر ۴۶/۶۰ درصد از افرادی را که دارای طرحواره ناکارآمد هستند، به‌درستی تشخیص می‌دهد و حداقل ۵۷ درصد و حداکثر ۷۳ درصد افرادی را که طرحواره ناکارآمد ندارند، به اشتباه تشخیص می‌دهد (غیائی و همکاران، ۱۳۹۰). ضریب پایایی پرسشنامه طرحواره‌های ناسازگار اولیه یانگ در پژوهش حاضر، با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۷۹ به‌دست آمد.

پرسشنامه سبک فرزندپروری والدین یانگ^۱ (YPI): این پرسشنامه را یانگ و براون (۱۹۹۴) برای شناسایی ریشه‌های بالقوه ۱۷ باور اصلی منفی ساخته شده است که از ۷۲ گویه و ۱۷ مقیاس تشکیل شده است. فرم اولیه این پرسشنامه خودگزارشی متشکل از ۷۲ عبارت است که افراد ممکن است برای توصیف پدر و مادر خود از آن استفاده کنند (برای مثال «انتقاد بسیاری از من کرد») هر اظهارنظری منعکس‌کننده رفتارهای فرزندپروری است که مرتبط با یکی از ۱۷ باور اصلی منفی طرحواره‌های ناسازگار اولیه هستند. نمره‌گذاری پرسشنامه به‌صورت طیف لیکرت شش نقطه‌ای است. در صورتی که نمرات پرسشنامه بین ۱۴۴-۷۲ باشد، میزان سبک‌های فرزندپروری ضعیف است. اگر نمرات پرسشنامه بین ۲۱۶-۱۴۴ باشد، میزان سبک‌های فرزندپروری در سطح متوسطی است. در صورتی که نمرات بالای ۲۱۶ باشد، میزان سبک‌های فرزندپروری بسیار خوب است. برای بررسی کفایت روان‌سنجی پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری یانگ و دستیابی به ابزاری دقیق در سنجش سبک‌های فرزندپروری پژوهشی را امیرسرداری، اسماعیلی و خادمی (۱۳۹۵) انجام دادند. جامعه آماری، دانشجویان آزاد ارومیه بودند که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای به حجم ۴۰۰ نفر انتخاب شدند که از این تعداد ۲۷۶ زن و ۱۲۴ مرد بودند. نتایج حاصل از تحلیل عاملی اکتشافی براساس ۱۷ عامل به این‌صورت نتیجه‌گیری شد که در پرسشنامه مادر ۷۲ پرسش به ۲۸ پرسش کاهش یافت و در پرسشنامه پدر ۷۲ پرسش به ۳۰ پرسش کاهش یافت. در مرحله اعتبارسنجی، تجزیه و تحلیل عوامل نشان داد که نسخه کوتاه پرسشنامه که شامل نه مقیاس است، می‌تواند برای درک هریک از والدین به‌کار رود. هرکدام از آیتم مقیاس‌ها روایی آزمون-بازآزمون خوب و ثبات داخلی کافی دارند. همچنین همبستگی معنادار و قابل‌توجهی از لحاظ بالینی میان مقیاس‌های طرحواره‌های ناسازگار اولیه و نسخه تجدیدنظرشده سبک‌های فرزندپروری والدین وجود دارد که با این فرض کلی سازگار است که ریشه‌های بالقوه باورهای اصلی منفی را اندازه‌گیری می‌کند. خصیصه‌های روان‌سنجی این پرسشنامه را پس از تحلیل عاملی این‌گونه نشان دادند که آلفای کرونباخ با دامنه ۰/۹۱-۰/۷ نشان داده شد. همچنین نتایج بازآزمایی بیانگر اعتبار بالا بود و اعتبار سازه نیز در حد قابل‌قبولی بود. در ایران فرم اصلی این پرسشنامه را صلواتی (۱۳۸۶) ترجمه کرد که سپس در ۶۰ دانشجوی ایرانی اجرا شد. با استفاده از روش دونیمه‌سازی، برای فرم مادر ضریب اعتبار ۰/۶۹ و برای فرم پدر ضریب اعتبار ۰/۸۰ به‌دست آمد. ضریب پایایی پرسشنامه فرزندپروری یانگ در پژوهش حاضر، با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۱ به‌دست آمد.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

داده‌های این پژوهش با استفاده از نرم‌افزار SPSS تجزیه تحلیل شدند. بدین‌منظور ابتدا برای تحلیل

1. Young Parenting Inventory (YPI)

داده‌های جمع‌آوری شده از روش‌های آماره‌های توصیفی شامل جدول‌های فراوانی، میانگین، انحراف معیار و در بخش آمار استنباطی در قسمت آزمون فرضیه‌ها، از آزمون تی مستقل^۱ استفاده شد.

یافته‌ها

الف) توصیف جمعیت‌شناختی

تعداد شرکت‌کنندگان در این پژوهش ۱۱۸ نفر بود که ۶۱ نفر آنان را زنان خیانت‌کرده و ۵۷ نفر را زنان خیانت‌دیده تشکیل می‌دادند. جدول ۱ دربردارنده برخی اطلاعات دموگرافیک شرکت‌کنندگان است.

جدول ۱. مشخصات دموگرافیک گروه نمونه

سن	فراوانی	فراوانی (درصد)
۲۰-۴۰ سال	۸۱	۶۸/۶
۴۰-۶۵ سال	۳۷	۳۱/۴
مدت ازدواج		
کمتر از ۱۵ سال	۵۴	۴۵/۷
بیشتر از ۱۵ سال	۶۴	۵۴/۳
تحصیلات		
دیپلم	۱۲	۱۰/۲
فوق‌دیپلم	۱۰	۸/۴
لیسانس	۵۲	۴۴/۱
فوق‌لیسانس	۳۶	۳۰/۵
دکتر	۸	۶/۸

در این قسمت میانگین، انحراف استاندارد و نتایج آزمون تی مستقل بر نمرات طرحواره‌های ناسازگار اولیه و سبک فرزندپروری در دو گروه زنان خیانت‌کرده و خیانت‌دیده ارائه شده است.

ب) توصیف شاخص‌ها

جدول ۲. میانگین و انحراف استاندارد طرحواره ناسازگار

اولیه در دو گروه خیانت‌دیده و خیانت‌کرده

تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
۵۷	۲۱۰/۷۵	۲۲/۸۳
۶۱	۲۲۵/۰۳۵	۲۰/۱۷

1. independent samples t-test

جدول ۳. میانگین و انحراف استاندارد سبک فرزندپروری در دو گروه خیانت‌دیده و خیانت‌کرده

تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
۵۷	۱۹۷/۹۱۸	۱۷/۱۲۹۹
۶۱	۲۴۴/۷۵۴	۲۷/۰۰۳

(ج) آزمون فرضیه‌ها

مقایسه طرحواره‌های ناسازگار اولیه در زنان خیانت‌کرده با زنان خیانت‌دیده

جدول ۴. نتایج آزمون تی مستقل بر نمرات طرحواره‌های ناسازگار اولیه در دو گروه خیانت‌کرده و خیانت‌دیده

آزمون تی مستقل		آزمون لون	
اختلاف میانگین‌ها	معناداری	درجه آزادی	T
۱۴/۲۸	۰/۰۰۰	۱۱۶	۳/۵۹۱
	۰/۰۰۰	۱۱۵/۶۴۹	۳/۶۰۶

آزمون تی مستقل برای مقایسه دو گروه انجام شد. آزمون لون پیش فرض آزمون تی نشان می‌دهد که فرض همگنی واریانس‌ها پذیرفته شده ($\text{sig} = ۰/۲۱۵$) و بیشتر از سطح خطای آزمون ($\text{sig} = ۰/۰۵$) است؛ بنابراین واریانس‌های دو گروه همگن هستند. بخش دوم جدول آزمون تی نشان می‌دهد که فرض صفر مبنی بر برابری میانگین‌های دو گروه رد شده است ($\text{sig} = ۰/۰۰۰$) از این رو میان دو گروه اختلاف معنادار وجود دارد. با اطمینان ۹۵ درصد اختلاف معنادار بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه در زنان خیانت‌کرده با زنان خیانت‌دیده تأیید شد. همچنین شاخص کوهن یا اندازه اثر نیز $۰/۶۶$ محاسبه شد که نشان‌دهنده واقعی و بالابودن تفاوت میان میانگین‌های دو گروه است.

$$d = \frac{M_1 - M_2}{S_p} = \frac{14.28}{\sqrt{\frac{(22.83)^2 + (20.17)^2}{2}}} = 0.66$$

جدول ۵. نتایج آزمون تی مستقل بر حوزه‌های طرحواره‌های ناسازگار اولیه در دو گروه خیانت‌کرده و خیانت‌دیده

t	معناداری	میانگین	گروه‌ها
۲/۴۱۹	۰/۰۱۷	۱۲/۷۴	زنان خیانت‌دیده
		۱۴/۷۴	زنان خیانت‌کرده
۷/۵۹۴	۰/۰۰۰	۱۲/۴۳	زنان خیانت‌دیده
		۱۶/۶۳	زنان خیانت‌کرده
۷/۰۱۰	۰/۰۰۰	۱۰/۵۲	زنان خیانت‌دیده
		۱۴/۷۳۶	زنان خیانت‌کرده

محرومیت هیجانی

طرد شدن - بی‌ثباتی

بی‌اعتمادی - آزار دیدن

t	معناداری	میانگین	گروه‌ها	
۰/۱۴۱	۰/۸۸۸	۱۰/۵۹ ۱۰/۶۶	زنان خیانت‌دیده زنان خیانت‌کرده	انزوای اجتماعی - بیگانگی
۲/۰۷۲	۰/۰۴	۱۲/۱۵ ۱۰/۹۸	زنان خیانت‌دیده زنان خیانت‌کرده	نقص- شرم
۰/۰۱۸	۰/۹۸۶	۱۲/۳۳ ۱۲/۳۱	زنان خیانت‌دیده زنان خیانت‌کرده	شکست
۰/۵۵۷	۰/۵۷۹	۱۳/۶۷ ۱۴/۰۲	زنان خیانت‌دیده زنان خیانت‌کرده	وابستگی - خودرشدنا یافته
۰/۶۹۰	۰/۴۹۲	۱۱/۴۳ ۱۱/۰۷	زنان خیانت‌دیده زنان خیانت‌کرده	آسیب‌پذیری در برابر صدمه یا بیماری
۱/۲۰۸	۰/۲۲۹	۱۰/۷۹ ۱۰/۲۸	زنان خیانت‌دیده زنان خیانت‌کرده	گرفتاری - قربانی‌کردن خویشان
۰/۷۷۴	۰/۴۴	۱۴/۳۷ ۱۴/۳۳	زنان خیانت‌دیده زنان خیانت‌کرده	اطاعت
۰/۱۳۰	۰/۸۹	۱۲/۷۹ ۱۲/۸۷	زنان خیانت‌دیده زنان خیانت‌کرده	ایثار-فداکردن
۰/۴۷۳	۰/۶۳۷	۱۰/۷۸ ۱۱/۰۵	زنان خیانت‌دیده زنان خیانت‌کرده	بازداری هیجانی
۰/۸۳۷	۰/۴۰۵	۱۱/۵۲ ۱۱/۱۰	زنان خیانت‌دیده زنان خیانت‌کرده	معیارهای سرسختانه-عیب‌جویی افراطی
۵/۹۵۲	۰/۰۰۰	۱۰/۸۴ ۱۶/۱۷	زنان خیانت‌دیده زنان خیانت‌کرده	استحقاق‌داشتن-بزرگ‌منشی
۲/۲۵	۰/۰۱۳	۱۰/۳۱ ۱۲/۰۷	زنان خیانت‌دیده زنان خیانت‌کرده	خویش‌داری-خودانضباطی
۷/۱۵۲	۰/۰۰۰	۱۰/۳۹ ۱۵/۱۰	زنان خیانت‌دیده زنان خیانت‌کرده	جلب‌توجه-تأییدجویی
۰/۱۹۴	۰/۸۴۷	۱۰/۴۹ ۱۰/۴۰	زنان خیانت‌دیده زنان خیانت‌کرده	منفی‌گرایی-بدبینی
۰/۲۴۲	۰/۸۰۹	۱۲/۲۴ ۱۲/۰۵	زنان خیانت‌دیده زنان خیانت‌کرده	تنبیه

در جدول ۵، نتایج مقایسه تک‌تک طرحواره‌های ناسازگار اولیه در زنان خیانت‌کرده و زنان خیانت‌دیده آمده است. طرحواره‌های محرومیت هیجانی، طردشدن-بی‌ثباتی، بی‌اعتمادی-آزاردیدن، نقص-شرم، استحقاق‌داشتن-بزرگ‌منشی، خویش‌داری-خودانضباطی و جلب‌توجه-تأییدجویی در زنان خیانت‌کرده و زنان خیانت‌دیده تفاوت معناداری را نشان دادند ($\text{sig} < ۰/۰۵$).

مقایسه سبک فرزندپروری والدین در زنان خیانت کرده با زنان خیانت دیده
جدول ۶. نتایج آزمون تی مستقل بر نمرات سبک فرزندپروری
در دو گروه خیانت کرده و خیانت دیده

آزمون تی مستقل		آزمون لون	
اختلاف میانگین‌ها	معناداری	درجه آزادی	T
۴۶/۸۳۶	۰/۰۰۰	۱۱۶	۱۰/۹۷۲
۴۶/۸۳۶	۰/۰۰۰	۹۱/۰۶۲	۱۰/۸۰۰

آزمون تی مستقل برای مقایسه دو گروه انجام شد. آزمون لون پیش فرض آزمون تی نشان می‌دهد که فرض همگنی واریانس‌ها پذیرفته شده ($\text{sig} = ۰/۴۰۰$) و بزرگ‌تر از سطح خطای آزمون ($\text{sig} = ۰/۰۵$) است؛ بنابراین واریانس‌های دو گروه همگن هستند. بخش دوم جدول آزمون تی نیز نشان می‌دهد که فرض صفر مبنی بر برابری میانگین‌های دو گروه رد شده است ($\text{sig} = ۰/۰۰۰$)؛ بنابراین بین دو گروه اختلاف معنادار وجود دارد. با اطمینان ۹۵ درصد بین سبک فرزندپروری والدین در زنان خیانت کرده با زنان خیانت دیده اختلاف معنادار تأیید شد. اندازه اثر نیز در این قسمت ۲/۰۷ محاسبه شد که بنا به تعاریف آماری، تفاوت فراوان و معنادار میان دو گروه را نشان می‌دهد.

$$d = \frac{M_1 - M_2}{S_p} = \frac{46.836}{\sqrt{\frac{(17.13)^2 + (27)^2}{2}}} = 2.07$$

جدول ۷. نتایج آزمون تی مستقل بر حوزه‌های سبک فرزندپروری والدین
در دو گروه خیانت کرده و خیانت دیده

t	معناداری	میانگین	گروه‌ها	
۴/۳۶	۰/۰۰۰	۱۱/۰۴۹	زنان خیانت دیده	محرومیت هیجانی
		۱۴/۴۷	زنان خیانت کرده	
۶/۷۷	۰/۰۰۰	۱۱/۱۳	زنان خیانت دیده	طرد شدن - بی‌ثباتی
		۱۵/۱۷	زنان خیانت کرده	
۶/۶۲۴	۰/۰۰۰	۹/۵۴	زنان خیانت دیده	بی‌اعتمادی - آزار دیدن
		۱۲/۴۶	زنان خیانت کرده	
۰/۴۹۲	۰/۶۲۴	۱۰/۸۱	زنان خیانت دیده	آسیب‌پذیری
		۱۱/۰۳	زنان خیانت کرده	
۷/۱۳۷	۰/۰۰۰	۱۱/۴۹	زنان خیانت دیده	وابستگی
		۱۴/۴۰	زنان خیانت کرده	
۶/۲۲۱	۰/۰۰۰	۱۱/۹۵	زنان خیانت دیده	نقص - شرم
		۱۵/۵۳	زنان خیانت کرده	

t	معناداری	میانگین	گروه‌ها	
۱/۶۸۳	/۰۹۵	۱۱/۰۴	زنان خیانت‌دیده	شکست
		۱۱/۸۲	زنان خیانت‌کرده	
-۰/۰۷۲	-۰/۹۴۳	۱۲/۷۵	زنان خیانت‌دیده	اطاعت
		۱۲/۷۸	زنان خیانت‌کرده	
-۰/۵۰۱	-۰/۶۱۷	۱۳/۵۰۸	زنان خیانت‌دیده	ایثار-فدا کردن
		۱۳/۲۶	زنان خیانت‌کرده	
۸/۲۶۷	-۰/۰۰۰	۱۱/۰۲	زنان خیانت‌دیده	معیارهای سرسختانه-عیب‌جویی افراطی
		۲۰/۸۲	زنان خیانت‌کرده	
۴/۱۵۵	-۰/۰۰۰	۱۲/۳۳	زنان خیانت‌دیده	استحقاق‌داشتن-بزرگ‌منشی
		۱۵/۰۹	زنان خیانت‌کرده	
-۰/۳۸۸	-۰/۶۹۹	۱۲/۴۹	زنان خیانت‌دیده	خویش‌داری-خودانضباطی
		۱۲/۲۸	زنان خیانت‌کرده	
۱/۸۴۶	-۰/۰۶۷	۱۲/۵۷	زنان خیانت‌دیده	گرفتار
		۱۳/۹۱	زنان خیانت‌کرده	
۱۱/۸۲۳	-۰/۰۰۰	۱۱/۳۹	زنان خیانت‌دیده	منفی‌گرایی-بدبینی
		۱۹/۵۷	زنان خیانت‌کرده	
۲/۵۳۸	-۰/۰۱۲	۱۱/۷۸	زنان خیانت‌دیده	بازداری هیجانی
		۱۳/۲۸	زنان خیانت‌کرده	
۳/۴۶۸	-۰/۰۰۱	۱۲/۰۹	زنان خیانت‌دیده	تنبیه
		۱۳/۹۲	زنان خیانت‌کرده	
۵/۲۲۳	-۰/۰۰۰	۱۱/۰۳	زنان خیانت‌دیده	جلب‌توجه-تأییدجویی
		۱۴/۷۷	زنان خیانت‌کرده	

در جدول ۷ نتایج مقایسه هریک از سبک‌های فرزندپروری والدین زنان خیانت‌کرده و خیانت‌دیده آمده است. سبک فرزندپروری محرومیت هیجانی، طردشدن-بی‌ثباتی، بی‌اعتمادی-آزاردیدن، وابستگی، نقص-شرم، معیارهای سرسختانه-عیب‌جویی افراطی، استحقاق‌داشتن-بزرگ‌منشی، منفی‌گرایی-بدبینی، بازداری هیجانی و جلب‌توجه-تأییدجویی در زنان خیانت‌کرده و خیانت‌دیده تفاوت معناداری را نشان دادند ($\text{sig} < /0.05$).

بحث و نتیجه‌گیری

گسترش خیانت به‌عنوان پدیده‌ای آسیب‌رسان و تأثیرات مخرب آن بر سلامت فردی و رابطه‌ای هریک از زوجین، سبب شده است تا پژوهش‌های بسیاری به بررسی عواملی که احتمال بروز خیانت را افزایش می‌دهند، بپردازند. طرحواره‌های ناسازگار اولیه یکی از همین عوامل است که در دوران کودکی و در اثر تعامل میان سرشت کودک و تجربیات آسیب‌زننده او شکل گرفته و تا بزرگسالی ادامه می‌یابد. براساس نتایج این پژوهش،

میان طرحواره‌های ناسازگار اولیه در زنان خیانت‌دیده و خیانت‌کرده تفاوت معناداری وجود دارد. همچنین اندازه اثر محاسبه شده ($d=0/66$) نشان می‌دهد که این تفاوت، معنادار و بسیار است. این یافته با نتایج پژوهش‌های نصیری و ابراهیم‌پور (۱۳۹۹)، ملک عسگر، مظاهری، فتی، موتابی و حیدری (۱۳۹۹)، بختیاری و همکاران (۱۳۹۸)، دست‌افشان و همکاران (۱۳۹۸)، زینالی و امیرسرداری (۲۰۱۸) و عرب، میرمراذهی و نظری (۱۳۹۶) هماهنگ است. در این پژوهش، طرحواره‌های محرومیت هیجانی، طرد شدن-بی‌ثباتی، بی‌اعتمادی-آزاردیدن، استحقاق داشتن-بزرگ‌منشی، خویشتن‌داری-خودانضباطی و جلب‌توجه-تأییدجویی در زنان خیانت‌کرده به‌طور معناداری بیشتر از زنان خیانت‌دیده بود و طرحواره نقص-شرم در زنان خیانت‌دیده بیشتر مشاهده شد. طرحواره‌های محرومیت هیجانی، طرد شدن-بی‌ثباتی و بی‌اعتمادی-آزاردیدن در حیطه جدایی و طرد قرار می‌گیرند. افرادی که طرحواره حیطه جدایی و طرد دارند، قادر به برقراری دلبستگی ایمن و ارضاکنده با دیگران نیستند. خانواده‌های این افراد که موجب شکل‌گیری این حیطه در دوران کودکی می‌شوند، معمولاً ناپایدار، آزاردهنده، سرد و طردکننده هستند و نیازهایی از قبیل امنیت، آرامش خاطر، همدلی، پذیرش در این افراد برآورده نشده است؛ بنابراین این افراد مملو از نیازهای ارضانشده هستند، همواره انتظار طرد شدن از شریک خود را دارند و زمانی که وارد رابطه زوجی می‌شوند، به دلیل ناتوانی در برقراری رابطه صمیمانه و نداشتن مهارت‌های ارتباطی، با بحران مواجه می‌شوند و نمی‌توانند نیازهای خود را ارضا کنند؛ در نتیجه خیانت را راهی برای بازیابی محبت و پذیرش می‌دانند (زینالی و امیرسرداری، ۲۰۱۸؛ مارچس جنفرو، ۲۰۰۹). همسو با مطالب فوق، رفیعی، حاتمی و فروغی (۱۳۹۰) در پژوهش خود نشان دادند که زنان دارای خیانت زناشویی، بیشتر دارای سبک دلبستگی اجتنابی^۱ هستند. بنا به نظر یانگ، سبک دلبستگی اجتنابی، بیشترین ارتباط را با طرحواره‌های حوزه بریدگی و طرد دارد (یانگ، ۲۰۰۵). همچنین برونس، هانس و هایر (۲۰۱۹) در پژوهش خود نشان دادند، احساس تنهایی^۲ که یکی از ویژگی‌های افراد دارای طرحواره حوزه بریدگی و طرد است، در افراد درگیر خیانت به‌طور معناداری بیشتر مشاهده می‌شود. درباره طرحواره نقص-شرم^۳ که در زنان خیانت‌دیده بیشتر مشاهده شد، می‌توان گفت افراد دارای این طرحواره معتقدند که ناقص و حقیر و بی‌ارزش هستند و دیگران آن‌ها را دوست ندارند. این افراد از روابط صمیمانه اجتناب می‌کنند؛ زیرا می‌ترسند دیگران متوجه نقایص آن‌ها شوند و اگر وارد رابطه شوند، به طرد و سرزنش بسیار حساس هستند و در صورت قرارگرفتن در این موقعیت‌ها، واکنش‌های انفجاری خشم و غم را از خود نشان می‌دهند. نکته جالب اینکه این افراد معمولاً افراد طردکننده را به‌عنوان شریک خود انتخاب می‌کنند (صلواتی و یکه‌یزدان دوست، ۱۳۹۹). به‌نظر می‌رسد حساسیت زیاد این افراد به طرد سبب می‌شود تا کمترین و کوچک‌ترین بی‌توجهی یا فاصله‌گرفتن همسر از خودشان را نشانه ترک و دوست‌داشتنی نبودن قلمداد کنند و واکنش‌های افراطی از قبیل کنترل بیش‌ازحد یا چسبندگی زیاد را از خود نشان دهند. واضح است که بروز این رفتارها در طولانی‌مدت، نفر مقابل را تحت فشار قرار می‌دهد و با بالاگرفتن

1. avoidant attachment style

2. feeling lonely

3. defectiveness/shame

تعارضات زناشویی، خطر ارتکاب خیانت در همسران این افراد افزایش می‌یابد. علاوه بر طرحواره‌های حوزه بریدگی و طرد، استحقاق داشتن-بزرگ‌منشی و خویشتن‌داری-خودانضباطی که از حوزه‌های حیطه مرزهای مختل هستند، در افراد خیانت‌دیده و خیانت‌کرده تفاوت معناداری نشان می‌دهد. افراد دارای طرحواره حوزه استحقاق داشتن-بزرگ‌منشی در رعایت حقوق دیگران و مسئولیت‌پذیری در قبال آنان دچار مشکل هستند و نمی‌توانند خود را به‌گونه‌ای کارآمد و با کفایت کنترل کنند. همچنین در صورت مواجهه با ناکامی و سختی، رفتارهای تکانشی از خود نشان می‌دهند. اشخاصی که در این طرحواره نمره بالایی را کسب کرده‌اند، قوانین و محدودیت‌ها را تاب نمی‌آورند و همواره در رابطه حس محق بودن دارند؛ بنابراین می‌توان گفت این افراد به تعهد که از پایه‌های اصلی زندگی است، کمتر عمل می‌کنند، به خود مجوز پیمان‌شکنی می‌دهند و راه را برای خیانت در زندگی خود باز می‌کنند (سینونه دیفرانسیسکو، رودیگر و استون، ۲۰۱۵؛ خدابخشی کولاکی، بساطی مطلق، اسماعیلی و رحمتی‌زاده، ۱۳۹۳).

یکی دیگر از طرحواره‌هایی که در این پژوهش در زنان خیانت‌دیده و خیانت‌کرده تفاوت معناداری نشان داد، طرحواره جلب‌توجه-تأییدجویی است که این یافته با نتایج مطالعه عنایت غلام‌پور، عبدالله‌زاده، امیرشاهی و ثناگو (۱۳۹۶) هماهنگ است. پیروی و بهرامی (۱۳۹۶) نیز در پژوهش خود نشان دادند، میان این طرحواره و سازگاری زناشویی رابطه منفی و معناداری وجود دارد و می‌توان گفت ناسازگاری زوجین در طولانی‌مدت احتمال درگیری آنان در روابط فرازناشویی را بالا می‌برد. افراد دارای این طرحواره، تأکید افراطی بر کسب تأیید، به رسمیت شناخته شدن و مورد توجه قرار گرفتن از جانب دیگران دارند تا بتوانند تجربه ذهنی امنی از خود به دست آورند. در این اشخاص، تجربه ذهنی فرد از اعتماد به نفس خود به شدت به واکنش‌های دیگران بستگی دارد (یانگ، کلاسکو و ویشر، ۲۰۰۳). در بسیاری از افراد دارای این طرحواره این باور شرطی شده شکل گرفته است که «در صورتی با ارزش خواهم بود که دیگران من را تأیید کنند». شاید بتوان گفت افراد دارای این طرحواره در زندگی زناشویی خود نیز همواره به دنبال تأییدجویی افراطی از جانب همسرشان هستند و در صورتی که توجه مورد انتظار خود را دریافت نکنند، ناکام می‌شوند و حس ارزشمندی‌شان تحقیر می‌شود؛ از این رو برای فرار از احساس کهنتری و افزایش اعتماد به نفس به روابطی پناه می‌آورند که به آنان به صورت افراطی توجه کند و آنان را از حس بی‌ارزشی نجات دهد.

بنا بر آنچه بیان شد، طرحواره‌های ناسازگار اولیه از جمله عوامل تأثیرگذار بر بروز خیانت زناشویی هستند و آنچه طرحواره‌ها را شکل می‌دهد، تجارب ناگوار دوران کودکی و کیفیت روابط والد-کودک در آن دوران است. در نتیجه تعاملات والد-کودک در نظام خانواده، دل بستگی ایجاد شده و این دل بستگی مبنایی برای تمام تعاملات بعدی وی می‌شود؛ به این دلیل خانواده به عنوان نهاد اولیه تعیین‌کننده سلامتی و کج‌روی اعضایش محسوب می‌شود و شیوه‌های تربیتی والدین، مهم‌ترین نقش را در آن ایفا می‌کند (جوادی و زینالی، ۱۳۹۷). در این پژوهش بین سبک فرزندپروری زنان خیانت‌دیده و زنان خیانت‌کرده تفاوتی معنادار و با اندازه اثر بالا مشاهده شد ($d=2/07$) و این تفاوت در سبک‌های فرزندپروری محرومیت هیجانی، طرد شدن-بی‌ثباتی، بی‌اعتمادی-آزاردیدن، نقص داشتن-شرم، وابستگی، معیارهای سرسختانه-عیب‌جویی افراطی، منفی‌گرایی-

بدینی، بازداری هیجانی، استحقاق داشتن - بزرگ منشی و جلب توجه - تأییدجویی معنادار بود. ($\text{sig} < 0/05$). به عبارت دیگر، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که سبک تربیتی والدین در نگرش و رفتار فرزندان دربارۀ تعهد زناشویی تأثیرگذار است. این یافته با نتایج تحقیقات سابرال (۲۰۱۷)، استپ و السون (۲۰۱۱) و جوادی و زینالی (۱۳۹۷) هم‌خوانی دارد. پژوهش‌های فوق نشان می‌دهند، رفتار والدین با فرزندان در دوران کودکی، در رفتار آن‌ها با همسرانشان در بزرگسالی منعکس می‌شود. همچنین در مطالعه حاضر، سبک‌های فرزندپروری که در حوزه جدایی و طرد قرار می‌گیرد، در زنان خیانت‌کرده و خیانت‌دیده تفاوت معناداری دارد. افرادی که طرحواره‌هایشان در این حوزه قرار می‌گیرد، نمی‌توانند دل‌بستگی ایمن و رضایت‌بخشی با دیگران برقرار کنند. خانواده‌های اصلی آنان معمولاً بی‌ثبات، بدرفتار، سرد و بی‌عاطفه، طردکننده یا منزوی هستند. بسیاری از آنان دوران کودکی تکان‌دهنده‌ای داشته‌اند و در بزرگسالی تمایل دارند از رابطه‌ای به رابطه دیگر پناه ببرند (یانگ و براون، ۱۹۹۴). می‌توان گفت والدینی که در سبک فرزندپروری خود سرد، بدرفتار، بی‌ثبات، طردکننده، انفجاری و منزوی هستند، نمی‌توانند نیاز به ثبات، امنیت، پذیرش و همدلی را در فرزند خود برآورده کنند. از آنجا که فرزندپروری مستقیم سبب شکل‌گیری شناخت‌ها، احساسات و رفتارها در فرد می‌شود (جونز، کاسیدی و شاور، ۲۰۱۵)، فرزندان دارای این والدین نمی‌توانند روابط رضایت‌بخشی با همسران خود داشته باشند. همسو با یافته فوق، قنبری هاشم‌آبادی، حاتمی، اسماعیلی و فرح‌بخش (۱۳۹۰) نشان دادند که هرچه والدین در شیوه فرزندپروری خود مقتدرانه عمل کنند، احتمال خیانت در فرزندان آن‌ها کمتر خواهد بود. درواقع والدین مقتدر می‌توانند به دلیل پاسخ‌دهی بالا شامل گرمی، محبت و پذیرش به همراه کنترل رفتاری و نظارت، به ایجاد انگاره‌ای مثبت به خود و دیگران در فرزندان کمک کنند و به این ترتیب به رشد تعهد در فرزندانشان منجر شوند. همسو با موارد بالا، مطالعات نشان می‌دهند که شیوه فرزندپروری والدین با تأثیر بر سبک دل‌بستگی فرزندان می‌تواند پیش‌بینی‌کننده خیانت و تعارضات زناشویی در آنان باشد (جوادی و زینالی، ۱۳۹۷) و افرادی با دل‌بستگی ایمن کمتر احتمال دارد در روابط فرازناشویی درگیر باشند (فریگر، ۲۰۰۶).

در این پژوهش سبک فرزندپروری استحقاق داشتن-بزرگ منشی نیز در زنان خیانت‌کرده و خیانت‌دیده تفاوت معناداری نشان داد و زنان خیانت‌کرده نمره بالاتری را در این سبک به‌دست آوردند. به‌نظر می‌رسد والدین دارای این سبک، در بعد مطالبه‌گری پایین هستند، هیچ محدودیت و مقرراتی برای فرزندان خود قائل نیستند، از کودکان رفتارهای پخته نمی‌خواهند و هیچ کوششی برای کنترل رفتاری کودکان انجام نمی‌دهند. این امر سبب می‌شود فرزندان آن‌ها در ویژگی‌هایی مانند خودتنظیمی و مسئولیت اجتماعی ضعیف باشند (گوپلان، ۲۰۰۹) و به احتمال زیاد، سبک دل‌بستگی ناایمن در آنان شکل بگیرد (زینالی، شریفی، عنایتی، عسگری و پاشا، ۱۳۹۰)؛ بنابراین احتمال می‌رود که در آینده نیز مهم‌ترین قانون زندگی زناشویی یعنی تعهد را نیز زیر پا بگذارند (سبرال، ۲۰۱۷).

از دیگر سبک‌های تربیتی که در زنان خیانت‌کرده به‌طور معناداری بیشتر بود، سه طرحواره مربوط به حیطة

هوشیاری افراطی و بازداری شامل منفی‌گرایی-بدبینی^۱، بازداری هیجانی^۲ و استانداردهای ناعادلانه-عیب‌جویی افراطی^۳ بود. والدین افراد این طرحواره‌ها، معمولاً تنبیه‌گر، پرتوقع، کمال‌گرا، پیرو قانون، سرکوب‌کننده هیجان و اجتناب‌کننده از هرگونه خطا، شادی و آرامش هستند و در نتیجه والدینی سخت‌گیر قلمداد می‌شوند. این یافته با نتیجه مطالعه استپ و السون (۲۰۱۱)، هماهنگی دارد. استپ و السون دریافتند که هر چقدر والدین در شیوه تربیتی خود سخت‌گیرانه عمل کنند و نظارت شدیدی بر رفتارهای فرزندان خود اعمال کنند، نگرش به خیانت سهل‌تر خواهد بود. در واقع براساس پژوهش فتحی، گرجی و اسماعیلی (۲۰۱۱) باید گفت رفتارهای سخت، خشک و انعطاف‌ناپذیری والدینی که سبک تربیتی مستبدانه دارند، سبب شکل‌گیری دلبستگی نایمن در فرزندان می‌شود. افرادی با سبک دلبستگی نایمن براساس تجارب کودکی‌شان بر این باورند که دیگران پاسخ‌گو نیستند و در بزرگسالی نیز از روابط نزدیک و صمیمی‌گريزان هستند و حتی زمانی که وارد این روابط می‌شوند، به دلیل خشونت بالا و ابرازگری پایین (بایرز، ۲۰۰۹) ناکام می‌شوند و برای رهایی از این روابط آسیب‌زا، به خیانت روی می‌آورند (فتحی، گرجی و اسماعیلی، ۲۰۱۱). جلب توجه-تأییدجویی نیز از دیگر سبک‌های تربیتی است که زنان خیانت‌کرده در آن نمره بیشتری از زنان خیانت‌دیده داشتند. فرزندان والدینی دارای این سبک به این باور رسیده‌اند که تحت شرایطی پذیرفته می‌شوند. به عبارت دیگر محیط همراه با پذیرش بدون قید و شرط در خانواده هرگز برای این افراد وجود نداشته و کودک آموخته است که محبت، امری مشروط است. این سبک تربیتی، به پس‌زدن هیجان‌ات و نیازهای طبیعی و شکل‌گیری دلبستگی نایمن در فرزندان این افراد منجر می‌شود (فغانپور گنجی، ۲۰۱۸) و این دلبستگی الگو و راهنمای روابط صمیمی فرد در بزرگسالی است. از آنجا که رابطه دلبستگی نایمن و نقص تعهد در زندگی زناشویی در پژوهش‌های مختلف نشان داده شده است (راسل، بیکر و مک‌نالتی، ۲۰۱۳) می‌توان گفت سبک تربیتی تأییدجویی-پذیرش‌جویی^۴ با ایجاد دلبستگی نایمن، احتمال بروز خیانت و روابط فرازناشویی در افراد را بالا می‌برد. در مجموع باید گفت خیانت نه یک اتفاق، تصمیمی است که اگرچه فرد خیانتکار، آن را انتخاب می‌کند و انجام می‌دهد، نمی‌توان نقش عوامل ناخودآگاه ریشه‌ای را در آن نادیده گرفت. طرحواره‌ها یکی از همان عواملی است که فرد را به پیش می‌راند تا مهم‌ترین قانون زندگی مشترک یعنی تعهد را زیر پا بگذارد و باید گفت این والدین هستند که با رفتارهای تربیتی خود، کلیدی‌ترین نقش را در شکل‌گیری طرحواره‌ها، تشکیل الگوهای ذهنی و درنهایت رفتار سالم یا ناسالم در زندگی زناشویی دارند.

پژوهش حاضر، پژوهشی کمی است که بر تعداد محدودی نمونه در شهر تهران انجام شده است. از آنجا که داده‌ها از طریق پرسشنامه جمع‌آوری شده‌اند، ممکن است تحت تأثیر سوگیری پاسخ‌دهنده (برداشت نادرست، نداشتن صداقت و بی‌دقتی در پاسخ به سوالات) قرار گرفته باشد؛ بنابراین با در نظر گرفتن این محدودیت‌ها باید در تعمیم آن به کل جامعه، جانب احتیاط را در نظر گرفت. پیشنهاد می‌شود پژوهش‌هایی در

1. negativity/pessimism
2. emotional inhibition
3. unrelenting standard/ hypercriticalness
4. approval seeking/recognition seeking

این موضوع در شهرها و فرهنگ‌های مختلف و با تعداد نمونه بیشتر انجام شود و در کنار پرسشنامه از ابزار مصاحبه نیز استفاده شود تا به این ترتیب بتوان به درک جامع‌تری در این حیطه رسید.

منابع

- امیرسرداری، ل.، اسمعیلی، ا.، و خادمی، ع. (۱۳۹۵). کفایت شاخص‌های روان‌سنجی پرسشنامه فرزندپروری یانگ. *فصلنامه روان‌شناسی تربیتی*. ۱۰(۱)، ۱-۱۰.
- بختیاری، ا.، حسینی، س.، عارفی، م.، و افشاری‌نیا، ک. (۱۳۹۸). آموزش بهداشت و ارتقای سلامت ایران. ۱۷(۲)، ۲۵۸-۲۴۵.
- پیروی، م.، و بهرامی، ه. (۱۳۹۶). بررسی رابطه طرحواره‌های ناسازگار اولیه زوجین و سازگاری زناشویی در دانشجویان متأهل واحد علوم تحقیقات تهران. مدل علی روابط فرازناشویی بر اساس سبک‌های دلبستگی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه: نقش واسطه‌ای صمیمیت زناشویی و سبک‌های عشق‌ورزی، *رویش روان‌شناسی*. ۶(۱)، ۱۳۱-۱۵۸.
- جوادی، س.، و زینالی، ع. (۱۳۹۷). آمادگی برای خیانت زناشویی: نقش شیوه‌های تربیتی والدین و سبک‌های دلبستگی. *خانواده‌پژوهی*. ۱۴(۵۶)، ۵۳۳-۵۴۸.
- خدابخشی کولایی، ا.، بساطی مطلق، ط.، اسماعیلی ع.، و رحمتی‌زاده، ا. (۱۳۹۳). طرحواره‌های ناسازگار اولیه و نگرش صمیمانه در مردان متأهل پیمان‌شکن و غیرپیمان‌شکن. *نشریه روان‌پرستاری*. ۲(۳)، ۱۲-۲۳.
- دست‌افشان، ا.، حیدریه، ز.، دهقان، ع.، و فرهادی شوربلاغی، ا. (۱۳۹۸). پیش‌بینی میل خیانت به همسر بر پایه صمیمیت با همسر، طرحواره‌های ناسازگار اولیه و باورهای دینی در زنان متأهل شهرستان یزد. *چهارمین کنفرانس بین‌المللی دستاوردهای نوین پژوهشی در علوم اجتماعی، علوم تربیتی و روان‌شناسی*. اصفهان.
- رفیعی، س.، حاتمی، ا.، و فروغی، ع. (۱۳۹۰). رابطه بین طرحواره‌های ناسازگارانه اولیه و سبک دلبستگی در زنان دارای خیانت زناشویی. *زن و جامعه*. ۲(۵)، ۲۱-۳۶.
- زینالی، ع.، شریفی، ح.، عنایتی، م.، عسگری پ.، و پاشا، غ. (۱۳۹۰). گسترش و رواسازی پرسشنامه سبک‌های تربیتی والدین. *فصلنامه اندیشه‌های تازه در علوم تربیتی*. ۳(۶)، ۱۴۵-۱۲۹.
- سودانی، م.، کریمی، ج.، مهرابی‌زاده هنرمند، م.، و نیسی، ع. (۱۳۹۱). اثربخشی زوج‌درمانی هیجان‌مدار بر کاهش آسیب‌های ناشی از خیانت همسر. *مجله تحقیقات علوم رفتاری*. ۴(۱۰)، ۲۶۸-۲۵۸.
- صلواتی، م. (۱۳۸۶). *طرحواره‌های غالب و اثربخشی طرحواره‌درمانی در بیماران زن مبتلا به اختلال شخصیت مرزی*. رساله دکتری. انستیتو روان‌پزشکی تهران، دانشگاه علوم پزشکی ایران.
- صلواتی، م.، و یکه‌یزدان دوست، ر. (۱۳۹۹). *طرحواره‌درمانی (راهنمای ویژه متخصصان روان‌شناسی بالینی)*. تهران: دانژه.
- عرب، ع.، میرمراذهی سببی، م.، و نظری، ر. (۱۳۹۶). بررسی رابطه بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه و نگرش به خیانت

- در بین کارکنان دانشگاه آزاد زاهدان. *دومین کنگره ملی روان‌شناسی و آسیب‌های روانی-اجتماعی*. چابهار.
- عنایت غلام‌پور، م.، عبداله‌زاده، ح.، امیرشاهی، م.، و ثناگو، ا. (۱۳۹۶). ارتباط ویژگی‌های شخصیتی، الگوهای ناسازگار اولیه، خوش‌بینی و بدبینی با توجیه خیانت زناشویی در افراد متأهل. *روان‌پرستاری*، ۵(۲)، ۸-۱۴.
- غیاثی، م.، مولوی، ح.، نشاط‌دوست، ح.، و صلواتی، م. (۱۳۹۰). بررسی ساختار عاملی پرسشنامه طرحواره یانگ (نسخه سوم فرم کوتاه) در شهر تهران. *دستاوردهای روان‌شناختی (علوم تربیتی و روان‌شناسی)*، ۱۱۸(۱)، ۹۳-۱۱۸.
- فتحی، م.، فکرآزاد، ح.، غفاری، غ.، و بوالهروی، ج. (۱۳۹۲). شناسایی عوامل زمینه‌ساز بی‌وفایی زناشویی مردان. *رفاه اجتماعی*، ۱۱۳(۵۱)، ۱۰۹-۱۳۱.
- فردوسی، س. (۱۳۹۷). پیش‌بینی نگرش به خیانت زناشویی براساس رفتار دل‌بستگی در روابط زناشویی، کیفیت روابط زناشویی و سبک‌های دل‌بستگی در زنان متأهل. *روان‌شناسی معاصر*، ۱۳(۲)، ۱۵۷-۱۴۹.
- قنبری هاشم‌آبادی، ب.، حاتمی ورزنده، ا.، اسمعیلی، م.، و فرح‌بخش، ک. (۱۳۹۰). رابطه بین سبک‌های فرزندپروری، دل‌بستگی و تعهد زناشویی در زنان متأهل دانشگاه علامه طباطبایی. *زن و جامعه (جامعه‌شناسی زنان)*، ۲(۳)، ۶۰-۳۹.
- مدرسی، ف.، زاهدیان، س.، و هاشمی محمدآباد، س. (۱۳۹۳). میزان سازگاری زناشویی و کیفیت عشق در متقاضیان طلاق دارای سابقه خیانت زناشویی و فاقد سابقه خیانت زناشویی. *ارمغان دانش*، ۱۹(۱)، ۸۸-۷۸.
- ملک عسگر، س.، مظاهری، م.، فتی، ل.، موتابی، ف.، و حیدری، م. (۱۳۹۹). دیدگاه طرحواره درمانگران نسبت به نقش مؤلفه‌های طرحواره‌ای در سبب‌شناسی خیانت زناشویی: یک مطالعه کیفی. *خانواده‌پژوهی*، ۱۶(۶۲)، ۱۹۹-۲۱۶.
- نصیری، م.، و ابراهیم‌پور، ق. (۱۳۹۹). پیش‌بینی طلاق عاطفی براساس طرحواره‌های ناسازگار اولیه و سازگاری اجتماعی در زنان مراجعه‌کننده به مرکز کاهش طلاق اورژانس اجتماعی. *پنجمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در حوزه علوم تربیتی و روان‌شناسی و مطالعات اجتماعی*. تهران.

References

- Apostolou, M. (2019). Why Greek-Cypriots cheat? The evolutionary origins of the big-five of infidelity. *Evolutionary Behavioral Sciences*, 13(1), 71-83.
- Atkins, D. C., Yi, J., Baucom, D. H., & Christensen, A. (2005). Infidelity in couples seeking marital therapy. *Journal of Family Psychology*, 19(3), 470.
- Brunes, A., Hansen, M. B., & Heir, T. (2019). Loneliness among adults with visual impairment: prevalence, associated factors, and relationship to life satisfaction. *Health and Quality of Life Outcomes*, 17(1), 24-31.
- Byers, C. C. (2009). *Foster mothers' experience of parenting faster child with attachment problems: An empirical phenomenological investigation*. PhD Dissertation. Duquesne University.
- Cabral, I. (2017). Is it cheating? Examining parenting styles and attitudes towards

- Infidelity. In *Proceeding of Scholarly & Creative Works*, United States: Dominican University of California.
- DeWall, C. N., Lambert, N. M., Slotter, E. B., Pond Jr, R. S., Deckman, T., Finkel, E. J., ..., & Fincham, F. D. (2011). So far away from one's partner, yet so close to romantic alternatives: Avoidant attachment, interest in alternatives, and infidelity. *Journal of Personality and Social Psychology*. 101(6), 1302-1316.
- Eaves, S. H., Robertson-Smith, M. (2007). The relationship between self-worth and marital infidelity: A pilot study. *The Family Journal*. 15(4), 382-386.
- Estep, H. M., & Olson, J. N. (2011). Parenting style, academic dishonesty, and infidelity in college students. *College Student Journal*. 45(4), 830-838.
- Fathi, E., Gorji, Z., & Esmaeily, M. (2011). The Relationship between parenting styles and Attachment Styles in men and women with infidelity. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*. 15, 3743-3747.
- Fincham, F. D., & May, R. W. (2017). Infidelity in romantic relationships. *Current Opinion in Psychology*. 13, 70-74.
- Foghanpoor Ganji, M. (2018). The mediating role of early maladaptive schemas in attachment styles and addiction to mobile social networks in students. *The Journal of New Advances in Behavioral Sciences*. 3(22), 18-37.
- Fricker, J. (2006). *Predicting infidelity: The role of attachment styles, and the investment model*. PhD Dissertation. Swinburne University of Technology.
- Gopalan, G. (2009). *Foster parenting and adolescent mental health*. Columbia University.
- Gordon, K. C, Baucom, D. H., Snyder, D. K. (2008). An integrative intervention for promoting recovery from extramarital affairs. *Journal of Marital and Family Therapy*. 30(2), 213-231.
- Hackathorn, J., & Brantley, A. (2014). To know you is (not) to want you: mediators between sociosexual orientation and romantic commitment. *Current Psychology*. 33(2), 89-97.
- Jones, J. D., Cassidy, J., & Shaver, P. R. (2015). Parents' self-reported attachment styles: A review of links with parenting behaviors, emotions, and cognitions. *Personality and Social Psychology Review*. 19(1), 44-76.
- Kimeldorf, M. B. (2008). *Reactions to infidelity: Individual, gender, and situational predictors of relationship outcome and forgiveness*. PhD Dissertation. University of Miami.
- Leahy, R. L. (Ed.). (2006). *Contemporary cognitive therapy: Theory, research, and practice*. London: Guilford Press.
- Marchese Jeanfreau, M. (2009). *A qualitative study investigating the decision-making process of women's participation in marital infidelity*. PhD Dissertation. Kansas

State University.

- Özgün, S. (2010). *The predictors of the traumatic effect of extramarital infidelity on married women: Coping strategies, resources, and forgiveness*. PhD Dissertation. Orta Doğu Üniversitesi, Ankara.
- Pascal, A, Christine, A., & Jean L. (2008). Development and validation of the cognitive inventory of subjective distress. *Int J Geriatr Psychiatr.* 23(11), 1175-1181.
- Russell, V. M., Baker, L. R., & McNulty, J. K. (2013). Attachment insecurity and infidelity in marriage: Do studies of dating relationships really inform us about marriage? *Journal of Family Psychology.* 27(2), 242-251.
- Simeone-DiFrancesco, C., Roediger, E., & Stevens, B. A. (2015). *Schema therapy with couples: A practitioner's guide to healing relationships*. John Wiley & Sons. New York.
- Vreeswijk, M., Broersen, J., Nadort, M. (2015). *The Wiley-Blackwell handbook of schema therapy: Theory, research and practice*. John Wiley & Sons. New York.
- Weiser, D. A., Weigel, D. J., Lalasz, C. B., & Evans, W. P. (2017). Family background and propensity to engage in infidelity. *Journal of Family Issues.* 38(15), 2083-2101.
- Young, J. E. (1998). *Young Schema Questionnaire Short Form*. New York: Cognitive Therapy Center.
- Young, J. E. (1990). *Cognitive therapy for personality disorders: A schema-focused approach*. Sarasota, FL: Professional Resource Press.
- Young, J. E., & Brown, G. (1994). Young schema questionnaire In: Young, J. E. (Ed.), *Cognitive therapy for personality disorders: A schema-focused approach*, (2nd Ed.). Sarasota: Professional Resource Press/Professional Resource Exchange, pp. 63-76.
- Young, J. E. (2005). Schema-Focused Cognitive Therapy and the Case of Ms. S. *Journal of Psychotherapy Integration*, 15(1), 115-126.
- Young, J. E., Klosko, J. S., & Weishaar, M. E. (2003). *Schema therapy: A practitioner's guide*. Guilford Press. New York City, United States
- Zeinali, A., & Amirsardari, L. (2018). Predicting infidelity proneness using early maladaptive schemas. *Jentashapir Journal of Health Research.* 9(1), e11892.

